

بررسی و نقد متفردات کتاب سلیم بن قیس الهلالی

مجید معارف^۱

مژگان خان بابا^۲

چکیده

کتاب سلیم از آثار حدیثی شیعه متعلق به قرن اول هجری است. احادیث این کتاب در مقایسه با سایر مصادر فریقین مشترکات فراوان و متفرداتی دارد. در مقایسه میان کمیت مشترکات با متفردات، اکثریت روایات کتاب، گزارش‌هایی است که شواهد فراوانی دارد؛ اما درصد اندکی از آنها شامل متفردات است که بیشتر در محورهای اعتقادی، تاریخی، فضایل و مطاعن است. پژوهش‌های محتوایی متفردات سلیم، برپایه مبانی اعتقادی شیعه بیان گراصلت محتوایی آنها است؛ نمونه آن، روایات وارده در موضوع معرفی ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام است. اما اعتبار برخی از موضوعات همین متفردات مانند: معرفی فرقه سامره در میان فرق اسلامی، اغراق در بیان برخی فضایل علی علیه‌السلام و سلیم، و مطاعن خلیفتین و همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم، خروج از مسیر حقیقت در بیان وقایع تاریخی، همچون بیان واقعه جمل و گفت و گوی محمد بن ابی بکر و ابوبکر در هنگام مرگ قابل اثبات نیست.

کلیدواژه‌ها: احادیث، کتاب سلیم بن قیس، متفردات سلیم، اعتبارسنجی.

۱. بیان مسئله

در باره اعتبار و عدم اعتبار کتاب سلیم در حالی که از ائمه معصوم علیهم‌السلام نقل شده: «این کتاب الفبای شیعه و سری از اسرار آل محمد صلی‌الله‌علیه و آله و سلم است»،^۳ در میان متقدمان و متأخران

۱. استاد دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۴۷.

صاحب نظر شیعه اختلاف نظر وجود دارد. برخی از عالمان شیعی با اعتماد بر منقولات سلیم این کتاب را کاملاً معتبر دانسته و به نقل روایات آن می‌پردازند؛^۴ در حالی که دیگران آن را یا به کلی از اعتبار ساقط می‌دانند^۵ یا معتقدند در برخورد با برخی مطالب آن باید توقف نمود.^۶ در عصر حاضر نیز پژوهش‌های متعددی در نقد احادیث کتاب سلیم در قالب مقالات متعددی انجام پذیرفته که در بیشتر آنها احادیث سلیم، بدون در نظر گرفتن شواهد و متابعات آن در منابع فریقین، مورد انتقاد قرار گرفته شده است. این در حالی است که شواهد و متابعات احادیث این کتاب می‌تواند یکی از راه‌های اعتماد به آن باشد.

نوشتار حاضر - که پس از یافتن این شواهد، قرینه‌سازی، بررسی و نقد آنها در پژوهشی مستقل،^۷ به متفردات سلیم دست یافته - درصدد ارزیابی آن دسته از منقولاتی است که تنها از طریق سلیم نقل شده است؛ در حالی که به نظر می‌رسد برخی از این متفردات با عنایت به قراین موجود در کتاب سلیم و دیگر منابع حدیثی مورد اطمینان باشد، در باره برخی دیگر، به دلیل مخالفت با سیره و تاریخ صحیح و دیگر احادیث معارض حکم به صحت نمی‌توان صادر نمود.^۸ بر این اساس سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

الف. چه تعداد از احادیث کتاب سلیم را متفردات وی تشکیل می‌دهد؟

ب. ادله اعتبار و عدم اعتبار متفردات سلیم چیست؟

۴. الغیبه، ص ۱۰۱.

۵. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۴۹.

۶. خلاصه الاقول، ص ۸۳.

۷. این پژوهش از رساله دکتری با عنوان: «اعتبارسنجی متنی و ارزیابی کتاب سلیم بن قیس هلالی» با راهنمایی جناب آقای دکتر مجید معارف و پژوهش نگارنده مقاله حاضر است. با توجه به اشراف نویسنده رساله بر کل کتاب سلیم و تطبیق روایات آن با شواهد و متابعات، کمیت متفردات سلیم در همین حدی است که در مقاله حاضر ادعا شده است.

۸. کتاب سلیم - که در تحقیق حاضر، مورد بررسی قرار گرفته - بر اساس تحقیق محمد باقر انصاری زنجانی است که در مقدمه کتاب اظهار داشته تحقیق خود را بر اساس نسخه‌های خطی کتاب سلیم انجام داده و در حین معرفی احادیث کتاب نیز به افتراقات این نسخ در پاورقی صفحات کتاب نیز اشاره نموده است. او نسخه‌های کتاب را بر اساس اشتراکات میان احادیث کتاب، به چهار دسته کلی تقسیم نموده که عبارت‌اند از: نوع «الف» نسخه‌هایی است که از طریق شیخ طوسی (م ۴۶۵ ق) از ابن ابی عمیر نقل شده است. نوع «ب» نسخه‌هایی است که از طریق محمد بن صبیح رجا در دمشق به سال ۳۳۴ ق، منتشر شده است و قبل از آن در یمن انتشار داشته است. نوع «ج» نسخه‌هایی است که از ابو محمد رمانی در سال ۶۰۹ ق، نقل شده است. نوع «د» نسخه‌هایی است که به روایت ابراهیم بن عمریمانی (قرن دوم هجری) نقل شده است.

۲. مقدمه

ابوصادق سلیم بن قیس هلالی از اصحاب علی علیه السلام و از طایفه بنی هلال بن عامر بود که در ناحیه حجاز سکنا داشتند و بعدها به شام و عراق آمدند.^{۱۰} ولادت او دو سال قبل از هجرت در منطقه کوفه و هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله دوازده ساله بود.^{۱۱}

احادیث کتاب وی را می‌توان به طور کلی به سه دسته تقسیم نمود: روایات اخلاقی، فضایل ائمه علیهم السلام و گزارش از وقایع پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا عصر امام باقر علیه السلام که حجم بسیاری از احادیث به دسته اخیر مربوط است. گرچه سلیم کتابی داشته و روایات متعددی از آن در مصادر مهم حدیثی شیعه و اهل سنت نقل شده، اما به همه آنها، به خصوص متون منحصر به فرد این کتاب اعتمادی نیست، مگر آن که دلیل و قرینه‌ای خارجی بر صحت آنها دلالت کند.^{۱۲} به همین دلیل، پژوهش حاضر در صدد یافتن قرائن متقن برای متفردات سلیم است تا بدین وسیله بخشی از آنها از حالت تردید خارج شوند.

۳. معرفی و ارائه گزارشی از متفردات سلیم

در بررسی احادیث کتاب سلیم متفردات وی بسیار اندک و بیشتر به شکل یک حدیث کامل، بلکه به صورت بخشی از یک حدیث قابل مشاهده‌اند. این احادیث بر حسب ویژگی‌هایشان به چهار دسته قابل تقسیم هستند: ۱. اعتقادی، ۲. فضایل، ۳. مطاعن، ۴. تاریخی.

۳-۱. گزارش متفردات سلیم در محور اعتقادات و در موضوع معرفی دوازده امام معصوم علیهم السلام

یکی از انتقادات مطرح در باره کتاب سلیم وجود روایات بیان گرتعداد ائمه علیهم السلام با رقم سیزده نفر است. برخی دانشمندان اسلامی چون ابن غضائری^{۱۳} و علامه حلی^{۱۴} همین امر را دال بر ضعف کتاب وی گرفته‌اند. در کتاب سلیم بیست و چهار مورد احادیث معرف تعداد

۹. معجم الرجال، ج ۸، ص ۲۱۷.

۱۰. معجم قبایل العرب، ج ۳، ص ۱۲۲۱.

۱۱. این مطلب از حدیث سی و چهارم کتاب قابل برداشت است.

۱۲. تاریخ حدیث شیعه، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۱۳. رجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۳۶.

۱۴. خلاصة الاقوال، ص ۸۳.

ائمہ معصوم علیہم السلام وجود دارد که از میان آنها تنها در مورد حدیث چهل و پنجم از این کتاب به طور قطع می‌توان گفت که تعداد امامان معصوم علیہم السلام سیزده نفر معرفی شده است. متن حدیث از این قرار است:

بدانید که خداوند نظر دومی نمود و بعد از ما^{۱۵} دوازده وصی از اهل بیتم انتخاب نمود و آنان را انتخاب شدگان ائمتم قرار داد.^{۱۶}

۲-۳. گزارش متفردات سلیم در محور احادیث فضایل

احادیث فراوانی در کتاب سلیم به بیان فضایل اختصاصی علی علیه السلام و امتیازات سلیم پرداخته‌اند که برخی از آنها جزو متفردات سلیم به حساب می‌آیند. این بخش عهده‌دار معرفی این دسته از احادیث است.

۱-۲-۳. گزارش متفردات سلیم از احادیث فضایل علی علیه السلام

برخی از احادیث بیان‌گر فضایل علی علیه السلام در کتاب سلیم دچار عارضه تفرد در نقل است که متن یکی از آنها در ذیل آمده است:

سلیم از علی علیه السلام نقل می‌کند: (پیامبر) هیچ گاه مرا به اسم صدا نزد، بلکه می‌فرمود: «ای برادرم» یا «برادرم را به نزد من فراخوانید».^{۱۷}

۲-۲-۳. گزارش متفردات سلیم از روایات بیان‌گر امتیازات سلیم

سلیم در برخی روایات به جهت اطمینان بخشی به صحت آنها اظهار داشته که خود به طور مستقیم بر اسرار جناح دشمن به ویژه نامه‌های رد و بدل شده در میان آنها اطلاع یافته است و یا آن که در حضور امامان معصوم علیهم السلام توانسته از آنها تأییداتی برگرفته‌های خود دریافت کند. در ذیل، متن این گونه روایات آمده است:

- در حدیث بیست و سوم پیش از گزارش نامه معاویه به زیاد می‌گوید:

زیاد بن سمیه نویسنده‌ای داشت که ادعای تشیع می‌کرد و با من دوست بود. او نامه‌ای را که معاویه به زیاد در جواب نامه او نوشته بود، به من نشان داد.^{۱۸}

و در انتهای نقل این مکاتبه نیز می‌گوید:

۱۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام.

۱۶. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۸۵۷.

۱۷. همان، ص ۶۴۲.

۱۸. همان، ص ۷۳۹.

شب نشده بود که نامه را نسخه برداری کردم. وقتی شب شد، زیاد نامه را خواست و آن را پاره کرد.^{۱۹}

- در بخشی از حدیث دهم پس از نقل روایتی از پیامبر ﷺ در موضوع معرفی جانشینان آن حضرت نقل شده است:

این نقل را هنگامی که در خدمت علی بن الحسین و صادقین علیهما السلام بودم، عرضه داشته و آن بزرگواران فرمودند: «سلیم راست گفته است».^{۲۰}

- در حدیث شصت و ششم - که موضوع آن کتاب وقایع جهان نزد علی علیه السلام است - ادعا شده که سلیم از طریق ابن عباس بر مطالب این کتاب به طور کامل وقوف یافته است.^{۲۱} این روایت از جهت وجود چنین کتابی نزد ائمه علیهم السلام تفرد ندارد، بلکه از جهت اطلاع سلیم بر تمامی مطالب کتاب تفرد دارد.

۳-۳. گزارش متفردات سلیم در محور احادیث مطاعن

در ضمن برخی احادیث کتاب سلیم به طعن شخصیت‌ها پرداخته شده است. این احادیث، بیشتر در طعن خلیفتین، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و اکثراً اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت قصور در دفاع از حق خلافت علی علیه السلام وارد شده است. این بخش عهده دار معرفی این دست از روایات است:

۳-۳-۱. گزارش متفردات سلیم از احادیث مطاعن خلیفتین و ارتداد امت اسلام

در باره ابوبکر و عمر در احادیث متعددی با عنوان گوساله و سامری^{۲۲} و از همه امت اسلام جز چهار نفر (ابوذر، سلمان فارسی، مقداد و زبیر) با عنوان مرتد نام برده شده است. در ذیل متن یک روایت آورده شده است:

سلیم از علی علیه السلام چنین نقل می‌کند:

همه مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند، جز چهار نفر. مردم نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله به منزله هارون و تابعینش و گوساله و تابعینش شدند. پس علی علیه السلام شبیه هارون و عتیق (ابوبکر) شبیه گوساله و عمر شبیه سامری است.^{۲۳}

۱۹. همان، ص ۷۴۶.

۲۰. همان، ص ۶۳۰.

۲۱. همان، ص ۹۱۵ و ۹۱۶.

۲۲. همان، ص ۷۰۱.

۲۳. همان، ص ۵۹۹.

۳-۳-۲. گزارش متفردات سلیم از احادیث مطاعن عایشه و حفصه

از دیگر متفردات سلیم، روایاتی است که در آنها به طعن همسران پیامبر ﷺ، عایشه و حفصه، پرداخته شده است:

- سلیم از سلمان نقل می‌کند:

وقتی [علی علیه السلام] پیامبر ﷺ را غسل داد و حنوط نمود ... عایشه نیز در حجره بود، اما متوجه نشد؛ چرا که خداوند چشم او را گرفته بود.^{۲۴}

- سلیم از علی علیه السلام نقل می‌کند:

پیامبر ﷺ در روزی که از دنیا رفت، با من عهده‌ی کرد ... آن دوزن (عایشه و حفصه) هم گوش فراداده بودند تا صحبت را بشنوند. پیامبر ﷺ فرمود: خدایا، گوش‌های آنان را ببند.^{۲۵}

۳-۴. گزارش متفردات سلیم در محور احادیث بیان گرو قایع تاریخی

هر چند احادیث تاریخی کتاب سلیم مؤیدات فراوانی در منابع فریقین دارد، اما در این میان، بخش‌هایی از همین احادیث را تنها سلیم و غالباً مغایر با تاریخ صحیح نقل کرده است.

۳-۴-۱. گزارش متفردات سلیم در بیان واقعه جنگ جمل

متفردات سلیم گاهی به گونه‌ای هستند که آثار غلو و خارج شدن از مسیر حقیقت در ذکر وقایع تاریخی در آنها قابل مشاهده است. شاهد این ادعا گزارش از تعداد سپاهیان علی علیه السلام و جناح مخالف در جنگ جمل است. سلیم می‌گوید:

روز جنگ جمل همراه علی علیه السلام حاضر بودم. لشکر ما دوازده هزار نفر و اصحاب جمل بیش از صد و بیست هزار نفر بودند.^{۲۶}

۳-۴-۲. گزارش متفردات سلیم از گفت و گوی محمد بن ابی بکر با پدر در واپسین لحظات حیات

یکی از متفردات سلیم مربوط به گفت و گوی محمد بن ابی بکر با ابوبکر در هنگام احتضار است. نصیحت و موعظه نمودن محمد بن ابی بکر به پدر در واپسین لحظات

۲۴. همان، ص ۵۷۸.

۲۵. همان، ص ۸۳۲.

۲۶. همان، ص ۷۹۶.

حیات و سپس بازگونی نمودن آنچه ابوبکر در واپسین لحظات حیات با کنار رفتن پرده‌ها و مشاهده عاقبت کار خود بیان می‌کند، تنها در نقل سلیم قابل مشاهده است. سلیم از محمد بن ابی بکر نقل می‌کند:

وقتی با او تنها ماندم، به او گفتم: ای پدر، بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». گفت: هرگز نمی‌گویم و نمی‌توانم بگویم تا وارد آتش شوم و داخل تابوت گردم! وقتی نام تابوت را آورد، گمان کردم هذیان می‌گوید. گفتم: کدام تابوت؟ گفت: تابوتی از آتش که با قفلی از آتش بسته شده است. در آن دوازده نفرند از جمله من و این رفیقم. گفتم: عمر؟ گفت: آری...^{۲۷}

۳-۴-۳. گزارش متفردات سلیم در باب تعدد و تفرق امت اسلام

در ضمن حدیث دوازدهم از کتاب سلیم، علی علیه السلام، ضمن تقسیم امت اسلام به هفتاد و سه فرقه و نجات تنها یک فرقه، از فرقه‌ای به نام سامره به عنوان مبعوض‌ترین نام می‌برد. متن حدیث بدین قرار است:

وای بر توای پسر قیس، این امت بر هفتاد و سه گروه متفرق می‌شوند. یک گروه از اینان در بهشت و هفتاد و دو گروه در آتش‌اند. بدترین و مبعوض‌ترین آنها، نزد خدا و دورترین آنها از خدا سامره است که می‌گویند: جنگ نه و دروغ می‌گویند.

۳-۵. ارزیابی و اعتبارسنجی متفردات سلیم

متفردات سلیم از جهت اعتبار به دو دسته قابل تقسیم است: روایاتی که با وجود تفرد در نقل، با داشتن قراین و شواهد در خود کتاب سلیم و سایر منابع حدیثی قابل پذیرش است و روایاتی که علاوه بر داشتن معارضات در دیگر منابع روایی، با سیره معصومان علیهم السلام، عقل سلیم و تاریخ صحیح همخوانی ندارد و در نتیجه، غیر قابل اثبات است. به همین مناسبت، در ادامه تحقیق، روایات سلیم با دو عنوان «دسته اول» و «دسته دوم» مورد ارزیابی و نقد قرار می‌گیرد.

۳-۵-۱. ارزیابی دسته اول از متفردات سلیم به عنوان روایات قابل پذیرش

برخی متفردات سلیم را می‌توان با داشتن قراین متقن جزو روایات صحیح به حساب آورد. این روایات در محور اعتقادات، شامل روایت بیان گرتعداد امامان معصوم علیهم السلام در

۲۷. همان، ص ۸۲۰.

حدیث چهل و پنجم از این کتاب است.

۳-۵-۱. ارزیابی دسته اول از متفردات سلیم با موضوع معرفی تعداد ائمه معصوم علیهم السلام

در کتاب سلیم بیست و چهار مورد احادیث مربوط به معرفی امامان دوازده گانه علیهم السلام وجود دارد که می‌توانند شبیهه موجود در حدیث چهل و پنجم را رفع نمایند. این احادیث بر حسب ویژگی‌هایشان به شکل زیر تقسیم شده‌اند:

- در بسیاری از این احادیث پس از معرفی علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام به عنوان امامان اول تا سوم با عبارت: «ثُمَّ تَنَازَلَ مِنْهُمُ ابْنُ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ» تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر معرفی شده است.^{۲۸}
- در برخی خطاب به علی علیه السلام از یازده فرزند ایشان به عنوان امامان امت اسلام یاد شده است.^{۲۹}

- در یک حدیث به معرفی امامان علیهم السلام با ذکر نام تک تک آنها پرداخته شده است که در مجموع، از دوازده امام نام برده می‌شود.^{۳۰}

- در یک حدیث، پس از نام بردن از پیامبر صلی الله علیه و آله و ذکر اوصاف ایشان، از درج نام سیزده نفر از فرزندان اسماعیل بن ابراهیم در کتابی نزد مسیحیان سخن به میان آمده که با احتساب پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام عدد سیزده مغایرتی به وجود نمی‌آورد.^{۳۱}
بنا بر این، تنها مورد مناقشه حدیث چهل و پنجم است که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، تعداد امامان معصوم، دوازده نفر بیان شده است. احتمال می‌رود راوی در نقل این روایت دچار نوعی تغافل نسبت به ادامه کلام خود شده و غالب بودن این مطلب - که تعداد امامان معصوم دوازده نفر است - در ذهن او ایجاد تخطئه نموده و منجر شده که تعداد امامان معصوم را پس از علی علیه السلام دوازده نفر به حساب آورد؛ اما به قرینه سایر منقولات سلیم - که در آنها به طور مشخص، تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر بیان شده - و به ویژه حدیث بیست و پنجم - که اسامی تک تک دوازده امام معصوم علیهم السلام بیان شده - می‌توان گفت که راوی در پی بیان مطلبی در تعارض با عقیده شیعه دوازده امامی نبوده است.

۳-۵-۲. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم به عنوان روایات غیر قابل پذیرش

بخش دوم از متفردات سلیم، چنان که پیش‌تر نیز بیان شد - روایاتی است که علاوه بر

۲۸. برای نمونه، رک: حدیث اول از کتاب سلیم.

۲۹. برای نمونه، رک: حدیث شانزدهم از کتاب سلیم.

۳۰. رک: حدیث بیست و پنجم از کتاب سلیم.

۳۱. رک: حدیث شانزدهم از کتاب سلیم.

داشتن معارض در دیگر منابع روایی، از ریشه، با سیره معصومان علیهم السلام، عقاید شیعه، تاریخ صحیح و عقل سلیم همخوانی ندارد. این روایات در سه محور قابل تقسیم است: مطاعن، فضایل و وقایع تاریخی.

۳-۵-۲-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در محور مطاعن

متفردات سلیم در قالب روایات مطاعن به سه دسته قابل تقسیم است: روایات در طعن خلیفتین، روایات در طعن عایشه و حفصه و روایات در طعن تمام امت اسلام، به جز چهار نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله. این بخش عهده دار ارزیابی این گونه روایات است.

۳-۵-۲-۱-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در محور مطاعن خلیفتین

در احادیث متعددی از کتاب ابوبکر و عمر با عنوان گوساله و سامری نام برده شده است.^{۳۲} این در حالی است که در منابع روایی دیگر نسبت سامری به عمرو بن العاص و ابوموسی اشعری داده شده و نسبت گوساله نیز به صراحت در مورد ابوبکر به کار نرفته است. جدای از آن، دو نسبت مذکور در کنار هم، مانند روایات سلیم، در روایات دیگر استعمال نشده اند؛ برای نمونه، دو روایت زیر قابل ذکر است:

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

مردم پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله همانند کسانی شدند که جمعی از هارون و گروهی از گوساله پیروی کردند.^{۳۳}

این روایت تنها سردرگمی مردم و انحراف آنها را از مسیر ولایت حقیقی در قالب تمثیل بیان می کند؛ بدون آن که به طور مستقیم عنوان گوساله و سامری را به ابوبکر و عمر اطلاق نماید.

از علی علیه السلام نقل شده است:

همانا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: «امت من در روز قیامت بر پنج پرچم محشور می شوند: ... دومین پرچم مربوط می شود به سامری این امت و آن عمرو بن العاص است ...».^{۳۴}

در این نقل از قول پیامبر صلی الله علیه و آله منحرفان از امتش، تک تک معرفی می شوند و نسبت

۳۲. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۹۹.

۳۳. الکافی، ج ۸، ص ۲۹۶.

۳۴. الخصال، ج ۲، ص ۵۷۵.

سامری نیز در آن استعمال شده، اما در آن اشاره‌ای به ابوبکر و عمر نشده، بلکه سامری امت اسلام، عمرو بن العاص معرفی شده است. در روایتی دیگر، نسبت سامری به ابوموسی اشعری داده شده است. از ابوذر، از پیامبر ﷺ نقل شده است:

و سامری که همان ابوموسی اشعری عبد الله بن قیس است؛ چون او همان را گفت که سامری قوم موسی گفت.^{۳۵}

روایت سلیم ضمن داشتن معارض در دیگر منابع حدیثی، با منطق و سیره معصومان علیهم‌السلام در برخورد با مخالفان خود همخوانی ندارد. بنا براین، نمی‌تواند قابل پذیرش باشد.

۳-۵-۲-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در محور مطاعن عایشه و حفصه

از دیگر متفردات سلیم، روایات مربوط به همسران پیامبر ﷺ است که در یکی از آنها ادعا شده، عایشه از مراسم تجهیز و تکفین پیامبر ﷺ به علت ممانعت خداوند از این موضوع بی اطلاع مانده است و در دیگری، ادعا شده که پیامبر ﷺ از خداوند خواسته که گوش‌های عایشه و حفصه را در هنگام وصیت آن حضرت سدّ کند. در مورد اول، یعنی بی اطلاعی عایشه از مراسم تجهیز و تدفین پیامبر ﷺ، ممکن است گفته شود که این روایت از خود عایشه است و او خود چنین اعترافی نموده است؛ چنان که ذهبی روایتی را از عایشه با این مضمون آورده است:

ما متوجه دفن پیامبر نشدیم تا آن که صدای بیل‌ها را شنیدیم که در نیمه شب چهارشنبه بود.^{۳۶}

علامه عسکری نیز می‌گوید:

عایشه نیز در این مراسم حضور نداشت و از تجهیز و دفن رسول خدا ﷺ باخبر نشد، مگر آن هنگام که به تصریح خود وی، صدای بیل‌ها را در نیمه شب چهارشنبه شنید.^{۳۷}

اما، این نقل عایشه فقط نشان دهنده بی‌اطلاعی وی از تدفین پیامبر ﷺ، آن هم در

۳۵. همان، ج ۲، ص ۴۵۷ و ۴۵۸.

۳۶. تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۸۲.

۳۷. معالم المدرستین، ج ۱، ص ۱۶۰.

لحظات آغازین است که در مقابل آن، منقولات متعددی از او وجود دارد که نشان می‌دهد وی از مراسم تغسیل و تکفین پیامبر ﷺ کاملاً مطلع بود. نسایی در باب «کفن النبی» سه روایت از عایشه نقل می‌کند که مضمون یکی از آنها چنین است:

پیامبر در سه قطعه پارچه سفید تکفین شد.^{۳۸}

دیاربکری نیز روایتی از عایشه آورده که مضمون آن چنین است:

هنگامی که خواستند رسول خدا ﷺ را غسل دهند، در آن اختلاف نمودند پس گفتند ما نمی‌دانیم آیا باید لباس رسول خدا ﷺ را از او جدا کرده، غسل دهیم... یا غسلش دهیم، در حالی که لباس بر تن دارد.^{۳۹}

اگر اشکال گرفته شود که تمامی این نقل‌ها از خود عایشه است و عایشه به دنبال اثبات فضیلتی برای خود بوده و از این جهت روایات را بر بافته است، سؤال می‌شود: مگر روایات بی‌اطلاعی از زمان دفن پیامبر ﷺ را که محدثان شیعه و سنی نقل نموده‌اند، کسی غیر از عایشه گفته است؟! ابن ابی الحدید، پس از ذکر این روایت، می‌گوید:

این روایت از عجیب‌ترین روایات است و عجب است از بودن عایشه در خانه‌اش و از آن سوی، بی‌اطلاعی وی از دفن رسول خدا ﷺ! اگر از جماعتی که این حدیث را نقل می‌کنند، پرسشی آیا نمی‌دانید که عایشه در این هنگام کجا بود؟ خواهند گفت: شاید در خانه مجاور نزد دیگر زنان پیامبر ﷺ؛ چنان که عادت خانواده میت است.... و این نزدیک‌تر به واقعیت و بلکه محتمل است.^{۴۰}

این نقل، گرچه از یکی از محدثان اهل سنت است، اما به دلایلی می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد؛ اول، آن که در روایات متعددی از شیعه و سنی نقل شده که عایشه در واپسین لحظات حیات پیامبر ﷺ از همسران دیگر آن حضرت اجازه می‌خواهد که پیامبر ﷺ به خانه وی منتقل شود^{۴۱} و پیامبر ﷺ در این مورد هیچ اعتراضی نمی‌کند. اگر عایشه تا این حد منفور خداوند و پیامبر ﷺ بود، بعید به نظر می‌رسید که پیامبر ﷺ رضایت دهد در

۳۸. السنن، ج ۴، ص ۳۵.

۳۹. تاریخ الخميس، ج ۲، ص ۱۷۰.

۴۰. شرح نهج البلاغه لابن الحدید، ج ۱۳، ص ۳۹ و ۴۰.

۴۱. الارشاد، ج ۱، ص ۱۸۲.

منزل او بستری شود. دوم، آن که پس از رحلت پیامبر ﷺ مسلمانان بر سر محل دفن آن حضرت اختلاف کردند و در این هنگام به دستور علی علیه السلام آن حضرت در خانه عایشه، یعنی همان جا که قبض روح شده بود، دفن شد؛^{۴۲} در حالی که چنین دستوری با وجود نقل سلیم از علی علیه السلام انتظار نمی‌رود.

در مورد دوم، یعنی دعای پیامبر ﷺ در سَد نمودن گوش‌های عایشه و حفصه، باید گفت که شیخ طوسی این حدیث را به طور کامل در الامالی نقل نموده،^{۴۳} اما با این که وی از احادیث متعددی از سلیم در آثار خود استفاده نموده، در نقل این روایت به سلیم اعتماد ننموده و روایت جابر را به جای آن نقل می‌کند که از بخش مذکور، یعنی سَد شدن گوش‌های همسران پیامبر ﷺ در آن ذکری به میان نیامده است و همین مسئله می‌تواند نشان از عدم اعتماد شیخ طوسی به این روایت سلیم باشد.

۳-۵-۲-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در موضوع مطاعن امت اسلام

ارتداد امت اسلام پس از رحلت رسول خدا ﷺ به دو شکل در روایات شیعه مطرح شده است:

۱. روایاتی که بدون ذکر نام چهار تن از اصحاب رسول خدا (مذکور در روایت سلیم)، به طور کلی قایل به ارتداد مردم پس از رحلت پیامبر ﷺ هستند و منظور از آنها خارج شدن از مسیر ولایت بر حق ائمه علیهم السلام است که تعداد آنها در منابع روایی زیاد است.^{۴۴}
۲. روایت سلیم که در آن سخن از درنگ و تردید اصحاب پیامبر ﷺ در ماجرای سقیفه به میان آمده و این که پس از کمک خواهی علی علیه السلام در بازپس گرفتن حق خلافت، اعلام آمادگی افراد اندکی گزارش شده است.^{۴۵} در کنار این گزارش سلیم نقل دیگری نیز در کتابش در حدیث نوزدهم وجود دارد که در آن به پشیمانی صحابه از کوتاهی در حق علی علیه السلام پس از ماجرای سقیفه اشاره شده است.^{۴۶}

گرچه می‌توان با در کنار هم قرار دادن این دو روایت سلیم (چهارم و نوزدهم) احتمال داد که در لحظات آغازین کمک خواهی علی علیه السلام تنها چهار نفر آمادگی خود را اعلام نمودند، ولی

۴۲. ر.ک: همان.

۴۳. الامالی الطوسی، ص ۲۵۱.

۴۴. برای نمونه، ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۴۱.

۴۵. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۹۸.

۴۶. همان، ص ۷۲۷.

در اندک زمانی، چنان که در حدیث نوزدهم هم آمده، دیگران پشیمان شده و به یاری آن حضرت شتافتند؛ اما، پذیرش این مطلب با وجود دو دسته روایات زیر با اشکال روبه رو است:

- روایاتی که یاری دهندگان علی علیه السلام، در آنها با چهار نفری که سلیم بیان می کند، اندکی اختلاف دارد؛ به عنوان نمونه، کلینی در روایتی که از ابن تیهان نقل می کند، کسانی را که سرهای خود را تراشیده و آمادگی خود را جهت یاری آن حضرت اعلام کردند، ابوذر، مقداد، حذیفه بن یمان، عمار و سلمان فارسی نقل می کند.^{۴۷} چنان که مشاهده می شود، در روایت ابن تیهان به جای چهار نفر، پنج نفر معرفی شده اند و صحبتی نیز از زبیر بن عوام نیست.

- روایاتی که در آنها از تحصن اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، در خانه زهراء علیها السلام، در اعتراض به غصب خلافت علی علیه السلام بدون هیچ اتلاف وقتی سخن به میان آمده است:

مردم در امامت علی علیه السلام در روز وفات پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف نمودند. پس شیعه او که بنی هاشم، سلمان، عمار، ابوذر، مقداد، خزیمه بن ثابت، ابویوب انصاری، جابر بن عبد الله انصاری، ابوسعید خدری و امثال ایشان از بزرگان مهاجرین و انصار بودند، گفتند: همانا او خلیفه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.^{۴۸}

نقل های سلیم علاوه بر اختلاف با سایر منقولات در منابع روایی دیگر، با یکدیگر نیز تعارض دارند؛ به عنوان مثال، وی در حدیث سوم از کتابش از مذاکرات بی درنگ و شبانه عده ای از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در چگونگی یاری رساندن به علی علیه السلام سخن می گوید که این عده عبارت اند از: مقداد، ابوذر، سلمان، عمار بن یاسر، عبادة بن صامت، حذیفه بن یمان و زبیر بن عوام.^{۴۹} از آن طرف، در حدیث نوزدهم، از عمار و حذیفه به عنوان تردید کنندگان در ماجرای سقیفه و سپس از توبه کنندگان از عدم دفاع از حق علی علیه السلام یاد می کند.^{۵۰} این در حالی است که در برخی گزارش های رسیده، عمار، جز معدود اصحابی است که از همان ابتدا به دفاع از حق خلافت علی علیه السلام پرداخته اند.^{۵۱} به همین دلیل و به خاطر حمایت های بی دریغ عمار، وی در برخی روایات از ارکان اربعه شیعه به حساب آمده

۴۷. الکافی ج ۸، ص ۳۳.

۴۸. الارشاد، ج ۱، ص ۷۶.

۴۹. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۷۳.

۵۰. همان، ص ۷۲۶.

۵۱. الکافی، ج ۸، ص ۳۳.

است.^{۵۲} بنا براین، به نظر می‌رسد روایت سلیم با داشتن معارضات متعدد در منابع دیگر و اضطراب در متن در خود کتاب سلیم، قابل توجیه و پذیرش نیست.

۳-۵-۲-۲. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در محور فضایل

در میان روایات فراوانی که در کتاب سلیم در بخش احادیث فضایل وارد شده بخش‌هایی وجود دارند که سلیم در آنها تفرد در نقل دارد. این روایات به دو دسته قابل تقسیم است: ۱. روایات بیان‌گر فضایل اختصاصی علی علیه السلام، ۲. روایات بیان‌گر امتیازات سلیم.

۳-۵-۲-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در موضوع فضایل اختصاصی علی علیه السلام

سلیم در برخی از نقل‌های خود، به جهت اثبات فضیلت برای علی علیه السلام از مسیر حقیقت خارج شده و مطالبی نقل نموده که نه تنها تفرد در نقل، بلکه اختلاف با منقولات دیگر دارد؛ چنان که در حدیث یازدهم، از قول علی علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز او را به اسم صدا ننموده و همواره از عنوان برادر استفاده نموده است؛^{۵۳} اما پس از ذکر این روایت، بلافاصله روایتی دیگر از علی علیه السلام نقل می‌کند که با آن همخوانی ندارد:

آیا اقرار می‌کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد دختر حمزه بین من و جعفر و زید قضاوت کرد و فرمود: «ای علی، تواز منی و من از توام ...».

این روایت و روایات بسیاری در دیگر منابع فریقین نشان می‌دهد که پیامبر در مواضع متعددی علی علیه السلام را به اسم صدا می‌زد.^{۵۴} هرچند، علی علیه السلام در احادیث فراوانی و از جمله حدیث مواخاة، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده است.^{۵۵} اما این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت را تنها با عبارت «اخی» صدا نموده باشد، مطلبی است که تنها سلیم آن را نقل می‌کند.

۳-۵-۲-۲. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در موضوع امتیازات سلیم

سلیم در برخی گزارش‌های خود به جهت اطمینان بخشی به صحت آنها اظهار می‌دارد که یا نقل خود را به امامان معصوم علیهم السلام عرضه داشته و او را تأیید نموده‌اند و یا این که شخصاً بر اتفاقی از جناح مخالف و دشمن اطلاع یافته و شاهد آن بوده است. این نقل‌ها به شکل

۵۲. الاختصاص، ص ۶ و ۷.

۵۳. رک: کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۴۲.

۵۴. برای نمونه، رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۵۵. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۶۶.

خلاصه عبارت‌اند از:

- روایات اختصار وی بر اتفاقات جاری در جناح مخالف.^{۵۶}

- روایت عرضه منقولات وی بر امامان معصوم علیهم‌السلام و تأییدات آنها.^{۵۷}

اما در مورد دسته اول از منقولات سلیم در حالی که نحوه برخورد معاویه و خلفای بنی امیه با غیر عرب و تحقیر عجم و همچنین آنچه که از روش و سنت عمر در برخورد با غیر عرب وارد شده، با گزارش‌های تاریخی همخوانی و بلکه تطابق کامل دارد؛^{۵۸} اما دو اشکال جدی بدان وارد است: این گزارش را تنها سلیم در قالب نامه و مکاتبه میان معاویه و زیاد بن سمیه گزارش می‌کند و در منابع تاریخی و روایی دیگر و آنچه که در مورد تاریخ بنی امیه تالیف شده، صحبتی از چنین نامه‌ای جز از طریق سلیم نشده است.^{۵۹} اشکال دیگر و عبارتی شبهه‌ای که خواننده حدیث با آن مواجه است، اساساً مربوط می‌شود به چنین نقل‌هایی در کتاب سلیم که وی مدعی است از مکاتبات مخفیانه جناح مخالف شخصاً اطلاع پیدا نموده است. نمونه‌ای از چنین ادعاهایی در حدیث سی و چهارم از کتابش نیز قابل مشاهده است که در سخت‌ترین روز جنگ صفین، یوم الهمیر، مدعی است از یک طرف در میان سپاهیان علی علیه‌السلام و به فرماندهی مالک اشتر شمشیر می‌زد و از آنطرف نه تنها از مکاتبات علی علیه‌السلام و جزئیات نامه وی در حین جنگ خبر می‌دهد که شاید چندان تعجب آور نباشد، اما از طرفی دیگر مدعی است که از مکالمات مخفیانه معاویه و عمرو بن العاص در اثنای همان روز اطلاع یافته که این بخش شبهه انگیز است. اگر دلیل متقنی برای ردّ چنین ادعایی نتوان ارائه داد اما می‌توان افراد در نقل چنین گزارشی را دلیل بر ضعف روایت سلیم دانست.

دسته دوم از نقل‌های سلیم که به تأییدات ائمه علیهم‌السلام بر آنچه سلیم از علی علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موضوع معرفی جانشینان آن حضرت نقل می‌کند، مربوط می‌شود.^{۶۰} گرچه این مطلب، یعنی معرفی جانشینان و امامان امت توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منابع متعددی از شیعه و سنی وارد شده و این مطلب به خودی خود، دارای مؤیدات فراوانی در منابع فریقین است، اما این که چنین مطلبی را سلیم و یا راوی کتابش، یعنی ابان بن ابی عیاش به سمع

۵۶. رک: حدیث بیست و سوم از کتاب سلیم.

۵۷. رک: حدیث دهم از کتاب سلیم.

۵۸. تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۹۳ - ۷۰۰.

۵۹. برای نمونه، رک: ناسخ التواریخ، ج ۶، ص ۸۶ - ۹۶.

۶۰. رک: همان، ص ۶۲۷ - ۶۲۹.

امامان حسنین، سجاد و صادقین علیهم السلام رسانده باشند و آن بزرگواران با شنیدن چنین روایتی فرموده باشند: «سلیم راست گفته است»، مطلبی است که در منابع عامه هیچ شاهد و متابعی ندارد که البته چندان نیز جای تعجب ندارد؛ اما در منابع شیعی نیز با بررسی تمام سند روایت، به اسم سلیم در رأس سند و به عنوان تنها راوی این حدیث برمی‌خوریم^{۶۱} که خود از ضعف‌های حدیثی به حساب می‌آید.

در مورد این ادعای سلیم، یعنی وقوف به مطالب کتاب موجود نزد علی علیه السلام، باید گفت که این بخش، علاوه بر تفرد در نقل، با مشکل دیگری نیز مواجه است. روایات نقل شده از سایر اصحاب ائمه علیهم السلام که مربوط به توصیف این کتاب، حال با هر نامی که در سایر روایات آمده، اعم از الجفر، الجامعه، کتاب علی علیه السلام و... همگی بیان گر عدم اطلاع آنان از محتویات این کتاب یا کتاب‌ها و یا آگاهی اجمالی به آنها است. حتی از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که حضرت فاطمه علیها السلام به او فرموده است:

ای جابر! اگر منعی نبود اجازه می‌دادم در آن بنگری، ولی نهی شده است که جز پیامبر و یا وصی پیامبر و یا اهل بیت پیامبر به آن دست بزنند.^{۶۲}

بنا بر این، سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود، این است که مگر سلیم چه فضیلت و امتیازی نزد علی علیه السلام داشت که دیگر اصحاب نداشتند؟ و اصلاً چه ضرورتی داشت که وی باید بر این تفصیل و جزئیات واقف می‌شد؛ در حالی که در کتاب سلیم اصحاب خاص علی علیه السلام - که در جو متشیخ آن دوره تنها یاری دهندگان آن حضرت بودند - ابوذر، مقداد، سلمان و زبیر معرفی شده‌اند و حتی از قول علی علیه السلام نقل می‌شود که همه جزاین چهار نفر، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند. پس اگر فضیلتی بود، باید شامل حال این چهار نفر می‌شد، نه سلیم.

۳-۵-۲. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در محور احادیث تاریخی

چنان که پیش‌تر بیان شد، بخش اعظم احادیث کتاب سلیم در موضوعات تاریخی وارد شده است. از این رو، شاید بیشترین اشکالات نیز از جهت تفرد در نقل در همین بخش قابل مشاهده باشد. این احادیث در سه موضوع: ماجرای جنگ جمل، گفت و گوی محمد بن ابی بکر با خلیفه اول در واپسین لحظات حیات، و وجود فرقه سامره در میان فرق

۶۱. رجال الکشی، ص ۱۰۴.

۶۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰.

اسلامی است.

۳-۵-۲-۳-۱. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در موضوع جنگ جمل

احادیث کتاب سلیم گاهی به گونه‌ای نقل شده که آثار غلو و خارج شدن از مسیر حقیقت در آن مشهود است. این موضوع با مقایسه روایات سلیم با دیگر گزارش‌های قابل اثبات است. یک نمونه از این نقل‌ها مربوط به تعداد سپاهیان علی علیه السلام در جنگ جمل است که دوازده هزار نفر گزارش شده و در برابر، سپاه عایشه که صد و بیست هزار نفر بیان شده است. این مطلب، گزارش سلیم در ابتدای حدیث بیست و هشتم است.

گرچه آمار دوازده هزار نفر سپاه یک جناح در مقابل صد و بیست هزار نفر سپاه مقابل و در نهایت پیروزی سپاه اندک غیرمحمتمل نیست، اما در مقایسه با گزارش‌های دیگر در همین موضوع و آیات قرآن کریم بیشتر به نظر می‌رسد که راوی تحت تأثیر آیات عدد مقاتلین^{۶۳} و در پی تداعی چنین معنایی بوده است.

در گزارش‌های تفصیلی مورخان از ماجرای جنگ جمل در باره تعداد افراد سپاه عایشه تقریباً می‌توان رقم واحدی را یافت. طبری،^{۶۴} بلاذری^{۶۵} و ابن اثیر^{۶۶} همگی رقم سپاه عایشه را سی هزار مرد جنگی گزارش کرده‌اند. پس تا این جا رقمی که سلیم در حدیث بیست و هشتم از کتابش در مورد سپاه عایشه (صد و بیست هزار نفر) گزارش می‌دهد با بقیه گزارش‌های همخوانی ندارد؛ هر چند می‌توان احتمال داد که کتب بعد از تاریخ طبری تحت تأثیر گزارش وی بوده‌اند. در باره رقم سپاه علی علیه السلام باید گفت که علی علیه السلام با تعداد اندکی رهسپار جنگ شد و در میان راه در محل‌های مختلف، اصحاب با سپاهیان خود به او می‌پیوستند.

مسعودی،^{۶۷} شیخ مفید^{۶۸} و بلاذری^{۶۹} گزارشی را از پیوستن گروه‌های مختلف در میان راه با ذکر تعداد آنها بیان می‌دارند و آماری که ارائه می‌دهند، نزدیک به قول طبری^{۷۰} و ابن اعثم^{۷۱}

۶۳. سوره انفال، آیه ۶۵ و ۶۶.

۶۴. تاریخ الامم والملوک، ج ۴، ص ۵۰۵.

۶۵. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۲۲.

۶۶. الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۰۸.

۶۷. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۵۹.

۶۸. الجمل، ص ۲۴۰.

۶۹. انساب الاشراف، ص ۲۳۵ و ۳۵۹-۳۶۱.

۷۰. تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۴۷۳.

۷۱. الفتوح، ج ۲، ص ۴۶۴.

است که رقم نهایی سپاه علی علیه السلام را بیست هزار نفر گزارش کرده‌اند. بنا براین، نقل سلیم، نه در مورد سپاه عایشه با دیگر گزارش‌های همخوانی دارد و نه در مورد سپاه علی علیه السلام.

۳-۵-۲-۳. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم در باره گفت و گوی ابوبکر با پسرش به

هنگام مرگ

یکی از مدعیات کتاب سلیم در حدیث سی و هفتم، سخن گفتن محمد بن ابی بکر با پدرش ابوبکر در واپسین لحظات حیات پدر و نصایح پسر به پدر و سپس نقل آن برای دیگران است. این مطلبی است که ابن غضایری در رجال خود و علامه حلی در خلاصه الاقوال نیز بدان خرده گرفته و متذکر شده‌اند. این مطلب از این جهت اشکال دارد که محمد بن ابی بکر در هنگام فوت پدر (ابوبکر) حدود چهار سال داشت.^{۷۲} بنا براین، چگونه ممکن است وی وصیت پدر و آخرین لحظات حیاتش را با این تفصیل نقل کند؟! یا آن که به پدر توصیه به گفتن شهادتین در هنگام مرگ کند! و یا چشمان پدرش را پس از مرگ بسته و خلاصه تمام افعال و اقوالی را که معمولاً از افراد بزرگسال انتظار می‌رود، وی در سن چهار سالگی انجام دهد؟! برخی چون محقق کتاب سلیم، محمد باقر انصاری زنجان، در مقدمه این کتاب پاسخ‌های متعددی را به شبهات مربوط به حدیث سی و هفتم ارائه نموده است که در ذیل، مهم‌ترین مستدلّات وی همراه با پاسخ بدان‌ها آورده شده است:

- وی با استناد به منابع دیگر اسلامی می‌گوید:

سنّ محمد بن ابی بکر با نقل اقوال مختلف در سال هشتم هجرت یا دهم هجرت است.^{۷۳}

اما مگر تفاوت توان و قابلیت کودک چهار ساله با شش ساله در نقل چنین تفصیلاتی تا چه اندازه است؟! - در بخشی دیگر می‌گوید:

قضیه تکلم محمد بن ابی بکر با پدرش هنگام مرگ در روایات دیگر شیعه هم وارد شده است.^{۷۴}

وی سپس به ذکر سه نمونه از این روایات می‌پردازد؛ اما نکته قابل توجه این است که این

۷۲. الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۳۶۶.

۷۳. کتاب سلیم، ج ۲، ص ۱۲۱.

۷۴. همان.

روایات - که نمونه‌های آن را، مؤلف در مقدمه کتاب و در پایان حدیث مذکور آورده - همه به روایت سلیم است که خود تفرد در نقل و از ضعف‌های حدیثی به حساب می‌آید.

- از دیگر مواردی که بر آن تکیه کرده، ذکر تمام جزئیات قضیه از زبان محمد بن ابی بکر است و این که در مقام نقل یک واقعه مفصل بوده است.^{۷۵} اما این درست یکی از اشکالات وارد بر حدیث است که چگونه کودکی که سنّ وی را مورخان و محدثان بین چهار تا شش سال تخمین زده‌اند، توانسته ماجرای را با این تفصیل بازگو کند.

گرچه احتمال وقوع چنین اتفاقی بر اثر خرق عادت ممکن است، اما تفرد در نقل و عدم اعتنای دیگر محدثین به چنین گزارشی این احتمال را تضعیف می‌کند.

۳-۵-۲-۳. ارزیابی دسته دوم از متفردات سلیم با موضوع تعدد فرق اسلامی

در ضمن حدیث دوازدهم از کتاب سلیم، از علی ع نقل شده که ضمن تقسیم امت اسلام به هفتاد و سه فرقه و نجات تنها یک فرقه از فرقه‌ای به نام سامره به عنوان مبعوض‌ترین در میان هفتاد و دو فرقه نام می‌برد.

روایتی را شیخ مفید در *الامالی* آورده که مقایسه آن با روایت مذکور از کتاب سلیم شباهت‌هایی را نشان می‌دهد. این روایت که از سلمان از پیامبر ص نقل شده بیان می‌کند که آن حضرت ص ضمن تقسیم امت اسلام به سه گروه حق، باطل و مضطرب؛ گروه اخیر را برآیین سامری دانسته که شعار آنها: «جنگ نکنید و دست از آن بردارید» است که پیشوای آنان عبد الله بن قیس اشعری است. با توجه به این که در ادامه حدیث سلیم در بیان عقیده این فرقه آمده است: «آنان می‌گویند جنگ نه و دروغ می‌گویند» و در انتهای روایت سلمان نیز همین عبارت آمده و از طرفی کلمه «سامره» در روایت سلیم بسیار نزدیک به کلمه «سامری» است و خطاب هر دو به عبدالله بن قیس یعنی ابو موسی اشعری است، می‌توان احتمال داد که هر دو این احادیث ناظر بر یک واقعیت و آن، پیشنهاد ابو موسی اشعری به علی ع در ماجرای حکمیت بر میانه‌روی ناپسندیده در اسلام است.

مطلب مشترک دیگر، این که در روایات دیگر از ابو موسی اشعری به عنوان سامری این امت نام برده شده است. بنا بر این، احتمال این که کلمه «سامری» به «سامره» تغییر یافته باشد، مطرح می‌شود. این مطلب می‌تواند روایت سلیم را از حالت تفرد در نقل درآورد؛ اما، مشکل این جا است که فرقه سامره، جزو فرق اسلامی نیست. شهرستانی در مورد

۷۵. همان، ص ۱۱۸.

این فرقه می گوید:

قومی که در کوه های بیت المقدس زندگی می کردند و به نبوت موسی، هارون و یوشع بن نون علیهم السلام قایل بودند.^{۷۶}

مجلسی نیز این فرقه را جزو فرق یهود به حساب آورده است.^{۷۷} بنا براین، به نظر می رسد اشکال روایت سلیم، عدم همخوانی با تاریخ صحیح است.

۴. نتیجه

- ۱-۴. متفردات سلیم به نسبت محتوای کل کتاب درصد اندکی از آن (کمتر از ۵٪) را فرامی گیرد و در محورهای اعتقادی، تاریخی، فضایل و مطاعن قابل مشاهده است.
- ۲-۴. این تعداد متفردات سلیم، نه به صورت یک حدیث کامل، بلکه بیشتر به صورت بخش هایی کوتاه از احادیث نسبتاً طولانی است.
- ۳-۴. برخی متفردات سلیم در محور اعتقادات و موضوع معرفی ائمه اثنی عشر به قرینه دیگر روایات کتاب و سایر منابع روایی قابل توضیح است.
- ۴-۴. بیشتر متفردات سلیم به دلیل عدم همخوانی با سیره ائمه، تاریخ صحیح و تعارض با دیگر منقولات سلیم و سایر روایات در منابع فریقین قابل دفاع نیست.

کتابنامه

- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، بی چا، ۱۴۱۳ق.
- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، محقق: علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل، بی چا، بی تا.
- الانساب الاشراف، احمد بن محمد بن یحیی بلاذری، بیروت: دار الفکر، اول، ۱۴۱۷ق.
- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر، شمس الدین ذهبی، بیروت: دار الکتب العربی، دوم، ۱۴۰۹ق.

۷۶. الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

۷۷. بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۲۳.

- تاريخ الامم والملوك، محمد بن جرير طبري، بيروت: دار التراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
- تاريخ الخميس في احوال الانفس النفيس، حسن دياربكري، بيروت: دار الصادر، بی چا، بی تا.
- تاريخ حديث شيعه (جلد يك)، محمد كاظم طباطبائي، تهران: سمت، سوم، ۱۳۹۰ش.
- تصحيح اعتقادات الاماميه، محمد بن محمد مفيد، محقق: حسين درگاهي، قم: كنجره شيخ مفيد، اول، ۱۴۱۴ق.
- الجمل والنصرة لسيد العترة في حرب البصرة، محمد بن محمد مفيد، محقق: علي ميرشيفي، قم: كنجره شيخ مفيد، بی چا، ۱۴۱۳ق.
- الخصال، علي بن الحسين بن بابويه، محقق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، اول، ۱۳۶۲ش.
- خلاصة الاقوال في معرفة الرجال، يوسف بن مطهر حلي، قم: دار ذخائر، بی چا، ۱۴۱۱ق.
- الرجال، احمد بن حسين بن الغضائري، قم: اسماعيليان، بی چا، ۱۳۶۴ق.
- شرح نهج البلاغه، عبد الحميد بن هبة الله بن ابي الحديد، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، اول، ۱۴۰۴ق.
- عيون اخبار الرضا، علي بن الحسين بن بابويه، محقق: مهدي لاجوردی، تهران: نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ش.
- الغيبة، محمد بن ابراهيم نعماني، محقق: علي اكبر غفاري، تهران: نشر صدوق، اول، ۱۳۹۷ق.
- الفتوح، محمد بن علي بن اعثم كوفي، محقق: علي شيري، بيروت: دار الاضواء، اول، ۱۴۱۱ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، محقق: علي اكبر غفاري، تهران: دار الكتب الاسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الكامل في التاريخ، علي بن محمد بن اثير، بيروت: دار صادر، بی چا، بی تا.
- كتاب سلیم بن قیس الهلالي، سلیم بن قیس هلالی، محقق: محمد باقر انصاری زنجانی، قم: دلیل ما، پنجم، ۱۴۲۸ق.
- مروج الذهب ومعادن الجوهر، علي بن حسين مسعودی، قم: موسسه دار الهجره، دوم، ۱۴۰۴ق.
- معالم المدرستين، مرتضى عسكري، تهران: البعثة، بی چا، ۱۴۱۲ق.

- معجم قبائل العرب، عمر رضا كحاله، بیروت: دارالرساله، هفتم، ۱۴۱۴ق.
- الملل والنحل، محمد بن عبدالكريم شهرستانی، محققین: امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت: دارالمعرفه، بی چا، ۱۴۱۵ق.
- ناسخ التواریخ، محمد تقی سپهر، تهران: کتابفروشی اسلامیة، بی چا، ۱۳۹۸ق.